

بسم الله الرحمن الرحيم

قدرت آشکار شده

(چگونه زنان می‌توانند قدرت رهبری خویش را در گون کنند؟)

نوشته‌ای از: هلن فیشر

ترجمه: دکتر بهاره دادرس

طرح: مهرزاد.ش

توضیحی درباره نویسنده اثر:

دکتر هلن فیشر نوشته های بسیاری در باب تفاوت های جنسیتی زنان و مردان ... تفاوت های زنان و مردان در زمینه های رفتاری و ذهنیتی ... تکامل جنسیت انسان ... آینده زنان و مردان ... تجارت ... روابط جنسی ... و زندگی خانوادگی در قرن بیست و یکم به رشته تحریر در آورده است.

بخش بازخوانی "نیویورک تایمز" یکی از کتاب های ایشان را با عنوان:

"اولین رابطه جنسی: استعداد طبیعی زنان و اینکه زنان با این استعداد چگونه می توانند جهان را دگرگون سازند"

را بعنوان کتاب برگزیده سال ۱۹۹۹ انتخاب کرده است.

دکتر هلن فیشر در حال حاضر بعنوان محقق و پرفسور در بخش تکاملی انسان در دپارتمان "علوم انسان شناسی" در دانشگاه "راتگرز" فعال می باشند.

هلن فیشر همچنین بعنوان مفسر علوم شناخت انسان ... مشاور و سخنران در امور تجاری و رسانه ها برنامه های بسیاری را در شبکه های "بی بی سی" ... "ان بی سی" ... و نیز بسیاری شبکه های آمریکایی و کانادایی و کشورهای مختلف اجرا می کند.

در این نوشته هلن فیشر برای ما آشکار می سازد که زنان توان بسیار خوبی در زمینه علوم رایانه ای ... قدرت شهودی ... انعطاف پذیری ذهنی ... طراحی نقشه های طولانی مدت ... قوه خلاقیت و تخیل و نیز در زمینه مهارت های کلامی و اجتماعی دارند.

قدرتهایی که اگر آنها را همانند دیگر تفاوت هایشان از مردان بشناسند و به خوبی پرورش دهند می توانند همواره در زندگی در موقعیت برنده / برنده باشند و موفقیت های خوبی را برای خویش به ارمغان بیاورند.

پیش‌گفتار مترجم:

زمانی.... شاید تا چند سال قبل فکر می‌کردم برای غلبه کردن بر زندگی و موفقیت در دنیای بی‌رحم مردسالار باید به شدت بجنگم و از طرفی باید رفتارهایم شباهت زیادی به مردان داشته باشد و همانند آنها باشم و قدرتهای آنان را بیاموزم تا بتوانم در محیط و جامعه ای مردسالار که ظلم به زنان در همه جا... مطلقا همه جا بیداد می‌کند دوام بیاورم.

جسارتم.... بی‌گدار به آب زدند... حتی می‌توانم گفت بسیاری کله شق بازی در آوردند... بیشتر به پسرها می‌خورد تا همجنس‌های خودم.... از وابسته بودن به مردها.... از نامیده شدن با عنوان یک مرد.... و حتی از زیر بار حرف مردها رفتن بیزار بودم... می‌خواستم خودم یک مرد کامل باشم!

با کمال احترام بگویم همکاران عزیزم هم چه همجنس و چه جنس مخالف برایم کم نمی‌گذاشتند و تا می‌توانستند آزارم می‌دادند و زیر آیم را می‌زدند!

همجنس‌های فامیل کلا لطف داشتند و بنده را مایه ننگ می‌خواندند و غیر همجنس‌های فامیل هم لطف مظاعف داشتند و مدام می‌خواستند هشدار بدهند با این اخلاق پیش بروی کلا شوهر گیرت نمیاد و می‌ترشی!!

گاه‌ها خدا حکمت‌های جالبی دارد که ما از آن بی‌خبر هستیم و در زندگی من نیز چنین بود....

مطالعات متعدد من اولاً من را به این نتیجه رساند که :

یک: زن بودن اصلاً اشکالی ندارد و به خودی خود بسیار خوب است و یک زن اصلاً و ابداً نباید توانهای مردانه را در خود پرورش دهد

دو: زنانگی بسیار هم زیباست... اما زنانگی چیزی فراتر از جسم است... زنانگی ذهن و روح زن را هم در بر می گیرد و یک زن زمانی از زن بودنش راضی است و در آن موفق که زن بودن خود را بپذیرد و نخواهد مرد باشد... بلکه بخواهد قدرتها و توانایی هایی را که خاص زن بودنش است بشناسد و آنها را پرورش دهد

در هر زندگی اتفاقات جالبی می افتد که گاهی تو نمی دانی چرا اما پس از مدتی می فهمی که شاید بهترین اتفاقات زندگی تو بوده اند و هر چند زندگی تو را با دیگران متفاوت ساخته اند اما موهبتهایی الهی هستند که شاید خدا برای بر آوردن آرزوهای تو سر راهت قرار داده است... من نیز همواره به دلایلی متفاوتی را تجربه کرده ام... اما دقیقا در لحظاتی که اوج ناامیدی بوده ام خداوند متعال دستهای مهربانش را بسوی من دراز کرد و گویا فریاد زد... برخیز... برخیز

گاهی انسان چنان در زندگی زمین می خورد که خودش فکر می کند هزاران پاره شده... اما باز هم اگر صدای گرم خداوند را بشنود برخواید خواست و از نو شروع خواهد کرد....

* تقدیمی این نوشته به کسی است که همواره در سخت ترین شرایط زندگی ام کنارم بود و من را ترک نکرد... کسی که مرا همانگونه که بودم همیشه پذیرفت و هر بار که نا امید بودم گفت: " این نیز بگذرد"... شاید بزرگترین خواستم از خدا همواره این بوده که کسی را داشته باشم که مرا همانگونه که هستم بپذیرد و درک کند... تقدیمی این ترجمه به اوست... کسی که از زمان ورودش به زندگی ام هرگز لحظه ای تنهیم نگذاشت و تنهایی مطلق را دیگر حس نکردم*

* شاد و سر بلند باشید و همیشه عاشق*

دکتر بهاره دادرس

۴ □ بهمن ماه ۱۳۹۱

"استعداد طبیعی رهبر بودن در زنان"

اگر روزی زنان بطور خالصانه و به سادگی برای صلاح و خیر نوع بشر باهم متحد شوند قدرتی در جهان بوجود خواهد آمد که جهانیان هرگز همانند آنرا به چشمان خویش ندیده اند.

در قرن نوزدهم میلادی "متیو آرنولد" (شاعر) عقیده داشت که زنان می توانند جهان را تغییر دهند.

می توانم بگویم عقیده او عقیده ای وحی گونه بود.

در این برهه بحرانی از تاریخ بشریت بسیاری از افراد در جستجوی جایگزینهایی برای دستورها و فرامین مرسوم و تغییر متدهای رهبری هستند.

من در این مقاله سعی دارم برخی از قدرتهای طبیعی نهفته در وجود زنان را در حوزه رهبری و مدیریت آشکار کنم.

در حال حاضر بسیاری از کارخانه ها ترجیح می دهند در حوزه مدیریتی خویش هم از مردان و هم از زنان استفاده کنند تا اینکه بتوانند از ویژگی های فردی ... تفکری ... احساسی ... انگیزشی ... ارزشی ... تفاوت های دوران کودکی و محیط های فرهنگی متفاوت هر دو جنس بهره مند شوند.

با این وجود دلایل و مدارک علمی زیادی نشان می دهد که در برخی موارد احترام و تساوی بین دو جنس در خیلی جاها حالت سلیقه ای به خود گرفته است.

تعجبی هم ندارد. برای میلیونها سال زنان و مردان کارهایی متفاوت از یکدیگر انجام می دادند. کارهایی که به طبع مهارتهای متفاوتی را نیز طلب می کرد.

قدرت آشکار نشده

به عنوان یک انتخاب طبیعی تصور می شد که زنان توان کاری کمتری دارند و مدتها تصور غالب این بود که قدرت ذهنی زنان کمتر از مردان است.

باید بدانید که هیچ دو انسانی شبیه به هم نیستند

فشارهای فرهنگی بی شماری بر اینکه زنان و مردان چگونه تفکر و عمل می کنند تاثیر دارند.

هر کدام از ما به شیوه ای استادانه مخلوطی هستیم از ویژگی های هم زنانه و هم مردانه!

هنوز بطور متوسط هر جنس محدوده توانایی های خاص جنسیتی خودش را دارد و هنوز هم اکثریت ما با گذشته تاریخی خاص خود زندگی می کنیم.

در این مقاله من سعی کرده ام نشان دهم برخی از استعدادها در زنان بطور طبیعی بیشتر از مردان می باشد.

ساقه مغزی زنان و هورمونهای زنانه قدرت بهتری به زنان در رهبری نسبت به مردان می دهد.

صد البته که این قدرت هنوز برای خود زنان آشکار نشده است و خب جای تعجبی ندارد که برای مردان هم ناشناخته باشد.

<http://mojezemski.blogspot.com>

"قوه تفکر رایانه ای: دیدگاهی متن گرا در زنان"

این موضوع یکی از تفاوت‌های قابل توجه نحوه تفکر زنان و مردان می باشد.

روانشناسان بیان می دارند که زنان در عالم تفکر خویش جزئیات را متفاوت تر از مردان در ذهنشان جمع بندی می کنند .

زنان جزئیات را سریعتر طبقه بندی می کنند و این بسته های اطلاعاتی را به اجزای پیچیده تری دسته بندی می کنند.

اگر زنان تصمیمی بگیرند امکانات و شرایط متفاوت تری را مد نظر قرار می دهند و دامنه وسیع تری از شرایط و مشکلات پیش رو را خواهند نگریست.

زنان عادت دارند که موضوعات را تعمیم بدهند موضوعات مختلف را باهم ترکیب کنندموضوع را به شرایط جامع تر بسط دهند و هر موضوع برای آنها حالت یک متن با چشم اندازی قابل رویت دارد.

من این سبک تفکری زنان را "تفکر رایانه ای" می نامم.

مردان بیشتر علاقه دارند در یک زمان بخصوص روی یک موضوع تمرکز کنند. آنها عادت دارند تنها به خود موضوع مربوطه توجه کنند و هر آنچه را که اطلاعات بدرد نخور بدانند از ذهن خویش دور بیندازند.

مردان اطلاعات را در ذهن خویش بیشتر به حالت سببی و آنچه که مربوط به خود موضوع است طبقه بندی می کنند.

من این سبک تفکر مردان را "تفکر پلکانی" می نامم.

فصل دوم: آشکار شدن

حال ما می خواهیم ببینیم این توانایی های متفاوت "تفکر رایانه ای" و "تفکر پلکانی" چگونه بوجود آمده اند.

در مغز زنان کابلهای رابط بیشتری بین دو نیمکره موجود است... در حالی که مغز مردان بیشتر حالت طبقه بندی شده دارد.

بنابراین در مغز مردان بخشهای مختلف عملکردی مستقل تر از هم نسبت به مغز زنان دارند.

از آن سو هورمون تستوسترون (هورمون مردانه) باعث می شود که افراد بیشتر توجه متمرکز یافته باشند.

این هورمون در زنان به میزان بسیار کمتر از مردان موجود است بنابراین زنان به جای توجه متمرکز بیشتر دیدگاه بسط یافته دارند.

از طرفی دانشمندان دریافته اند که برخی از مناطق مغزی برای این سبک تفکر طبقه بندی شده اند و نیز تعدادی از ژنها نیز مسئول این تفاوت در طرز تفکر بین زنان و مردان می باشند.

یکی از این ژنها بطور مثال در ۵۰٪ از زنان فعال است در حالی که همین ژن در تمامی مردان خاموش است.

تمایل زنان به "تفکر رایانه ای" شاید از میلیونها سال پیش شناخته شده بود.

در انسانهای اولیه زنان تمایل داشتند که خیلی از کارها را همزمان باهم انجام دهند در حالی که مردان به جهت "تفکر پلکانی" تمرکز خود را روی یک موضوع بگذارند.

هر دو نوع تفکر رایانه ای و پلکانی به نوبه خود با ارزش هستند.

اما در جامعه تجارت کنونی واژه های کلیدی

"عمق دیدگاه"... "وسعت دید" و "تفکر سیستماتیک" می باشند.

در این دنیای تجارت پیچیده و سرسخت تفکری با دیدگاه متن گرا یک توانایی متمایز است.

زنان می توانند در صورت آموزش صحیح این قوه تخیلشان را تحت سلطه خویش درآورند.

قدرت آشکار نشده

در یک مطالعه که روی ۵۰۰ مورد انجام شد سهام شرکتها و کارخانجاتی که رؤسای آنها زنان بودند بسیار سهام پایدارتری بودند.

شاید دلیل این باشد که کارهایی که زنان خالق آن هستند کمتر حالت معمولی دارد و متنوع تر هستند.

دیدگاههای رایانه ای زنان به آنان قدرتهای رهبری دیگری هم می دهد. طبق مطالعات روانشناسی ..اجتماعی و تجاری زنان قدرت تحمل بیشتری در شرایط ابهام آمیز دارند.

این ویژگی از آنجا ناشی می شود که زنان توانایی نگه داشتن موضوعات زیادی را در ذهنشان بطور همزمان دارند.

من به شخصه اگر بخوام محیط تجاری جهان امروز را جمع بندی کنم در یک کلام می توانم بگویم : سراسر ابهام!!

زنان توانایی قابل توجه ای برای دوام آوردن در این محیط دارند .

قدرت تفکر رایانه ای زنان به آنان قوه شهودی بالایی می دهد. قدرت شهود قوه تخیل فرد را بالا می برد و این در شرایط تصمیم گیری مدیریتی وقتی که اوضاع غیر قابل اطمینان است یک مزیت برجسته محسوب می شود. این توانایی ذهنی توسط روانشناس "**هربرت سیمون**" توصیف شده است.

او توضیح می دهد که افراد چگونه باید شوک های محیطی و بازار را آنالیز کنند تا بتوانند یک تجارت را پیش ببرند یا یک شرایط سیاسی را رهبری کنند. آنها باید شرایطی را که در آن درگیر هستند به خوبی بشناسند و ارزیابی کنند .

"**هربرت سیمون**" پروسه ارزیابی اطلاعات در ذهن را "تکه تکه کردن" می نامد.

با کمک گرفتن از زمان فرد موارد بیشتری را تکه تکه و بررسی می کند و اطلاعات را به حافظه طولانی مدت خود می سپارد. آنگاه اگر یک مورد تک و مشکل دار در یکی از جزئیات ظاهر شود فردی که با موضوع درگیر

قدرت آشکار نشده

است اگر فرد مطلع و آگاهی باشد می تواند شرایط و مسائل گسترده تری را شناسایی کند و پی آمدهای بیشتری را پیش بینی کند... در حالی که فردی که قدرت فکری خیلی خوبی ندارد صاحب این توانایی نمی باشد.

"شرلوک هولمز" این موضوع را بسیار جالب توصیف می کند:

"بنا به عادت قدیمی قطاری از افکار از ذهن من می گذرد و در نهایت من به نتیجه مطلوب میرسم بی آنکه در ایستگاههای اشتباهی پیاده شوم"

اکثریت زنان چنین طرز تفکری دارند!

با توجه به "تفکر رایانه ای" برنامه ریزی طولانی مدت یکی دیگر از توانایی های زنان می باشد.

بنا به اطلاعاتی که من دارم هیچ برنامه بورسیه ای تفاوتی بین دو جنس برای بورسهای طولانی مدت قائل نمی شود.

هر چند که برخی از برنامه های آنالیز تجاری باور دارند که زنان عادت دارند به برنامه های طولانی مدت بطور مرتب تری بیندیشند در حالی که آقایان بیشتر تمرکزشان روی زمان حال و اینجا می باشد.

این تفاوت در زنان باعث می شود که قادر باشند استراتژی های طولانی مدت منظم در امور مالی خویش داشته باشند .

در یک تحقیق روی ۶ هزار داوطلب سه چهارم از زنان شرکت کننده برنامه ها و اهداف کوتاه مدت نداشتند!

در همین بررسی نشان می داد که قدرت ریسک پذیری آقایان به میزان ۴۵٪ از خانمها کمتر می باشد.

همینطور تحقیقات بیولوژیکال مشابهی برای زنان وجود دارد.

قدرت آشکار شده

در مطالعه ای که در بیماران با صدمه و یا ضربه مغزی صورت گرفته نروساینتیست ها (روانشناسانی که روی علوم اعصاب مغزی کار می کنند) متوجه شدند که کدام قسمت مغز در نقشه کشیدنهای طولانی مدت دخیل می باشد.

زنان و مردان در این قسمت خاص مغز تفاوتی با یکدیگر دارند. امکان دارد که معماری مغز زنان به سبکی طراحی شده باشد که به برنامه ریزی های طولانی مدت آنان کمک می کند.

امکان دارد این گرایش زنان برای برنامه ریزی های طولانی مدت طرحی طبیعی باشد که به آنان کمک می کند تا برای آینده فرزندانشان برنامه ریزی کنند.

هر چند این توانایی امروزه زنان را مستعد آن کرده است که مسائل تجاری را از چشم انداز طولانی تری ببینند که این خود عنصر بسیار اساسی ای در قدرت رهبری می باشد.

"انعطاف پذیری ذهنی"

معماری ذهنی زنان بصورت تفکر رایانه ای آنان را دارای قابلیت طبیعی دیگری نیز می کند و آن انعطاف پذیری ذهنی می باشد.

انعطاف پذیری ذهنی یک ویژگی اساسی برای قابلیت رهبری در جامعه پویای جهان کنونی می باشد.

در مطالعه ای اخیرا گزارش شده که زنان به نسبت ۳۱ به ۲۸ از همتهای مرد خویش بعنوان رهبر...عضو یک گروه ریاستی و یا گروههای مدیریتی پیش رو تر هستند.

زنها مهارت ویژه ای در قدرت طراحی ایده های نو و تازه دارند.

هر چند من به شخصه شک دارم که طراحی ایده های تازه تنها دلیلش ذهنیت انعطاف پذیر زنان باشد.

تفکر رایانه ای وجه های متفاوتی به قدرت تفکر زنانه می دهد...یکی از آنها قدرت تصویر سازی است.

تصویر سازی نسبت مستقیم دارد با دانشی که فرد در طی زمان آموخته... قدرت استفاده کردن از اطلاعات ذهنی

اش در راههای جدید...امتحان کردن احتمالات بی شمار و حدس زدن اینکه چگونه این شرایط متفاوت عمل می کنند.

تمامی این شرایط ویژگیهای طرز تفکر رایانه ای می باشند.

این همان چیزی است که می توانیم آنرا "لبه تیز شمشیر زنانه" بنامیم.

زمانی "جان.اف. کندی" گفته بود:

" ما به مردانی نیاز داریم که رویای چیزهایی را در سر پیورانند که هرگز وجود خارجی نداشته است "

فکر می کنم بهتر است ما بگوییم " ما به ذهن های زنانه نیاز داریم! "

"قدرت کلامی بویافته"

(کلمات ابزار کار زنان هستند!)

زنان مهارت دیگری هم دارند که آنها را قادر به قدرت رهبری می کند. یکی از قدرتهای ویژه و عالی زنان این است که در هر شرایطی می توانند به سرعت کلمات و واژه های مورد نیاز را پیدا کنند. این قدرت اساسی زنان است.

همانطور که "مارک تواین" گفته است:

" تفاوت بین کلام درست و نادرست در یک موقعیت مثل تفاوت میان روشنایی و تاریکی است "

مهارتهای کلامی زنان از دوران طفولیت آنان شروع به رشد می کند.

نوزادان دختر پیش از نوزادان پسر از دهان خود سر و صدا خارج می کنند و الفاظ نامفهوم را ادا می کنند.

دختر بچه ها به نسبت پسر بچه های همسن خود زودتر زبان باز می کنند و جملات طولانی تر و کلمات سخت تری را بیان می کنند.

در سن دوازده سالگی دختر بچه ها تسلط کامل بر گرامر زبان مادری خویش و تلفظ کلمات و درک و به خاطر سپاری آنچه را که می خوانند دارند.

قدرت آشکار نشده

این توانایی در تمام زنان دنیا یکسان است: آمریکا... ژاپن... نیپال... انگلیس... و... تمامی زنان از هر کجای دنیا... در هر جایی از دنیا که زنان امکان آموزش و پرورش این مهارتها را داشته باشند.

به نظر می آید تفاوت در توانایی کلامی زنان و مردان دلیلش در ویژگی های مغزی زنان و تفاوت آن با سیستم مغزی مردانه و نیز هورمونهای زنانه و از همه مهمتر "استروژن" باشد.

در حقیقت توانایی کلامی زنان در نیمه سیکل ماهانه آنها یعنی زمانی که اوج میزان استروژن در بدن زنان است افزایش می یابد.

" زنان برای سخن گفتن به دنیا آمده اند!"

کلمات ابزار کار زنان هستند.

کلمات رابط بین قلب و ذهن می باشند.

اگر زنان امروزی فرصتی بیابند که صدایشان را به گوش دیگران برسانند قدرت آنان بسیار افزایش می یابد.

"مهارتهای اجرایی اجتماعی"

زنان دارای قدرت دیگری هم هستند که روانشناسان آنها مهارتهای اجرایی اجتماعی خطاب می کنند.

زنان قدرت پرورش کودکان... تغییر حالتهای مختلف... قدرت مواجهه بهتر با حوادث... دارا بودن تفاوت های ظریف فردی ... و نیز قدرت گرفتن ژست های به خصوص را دارند.

قدرت آشکار نشده

آنها می توانند احساسات متفاوت را در چهره خودشان بروز دهند یا از چهره افراد احساسات آنان را تشخیص دهند.

زنان توانایی درک بهتری از مزه ها دارند و به لمس ... بو و صدا حساس تر هستند.

دید آنها در تاریکی و دید پیرامون بهتری دارند.

از یک اتاق یا فضایی باز بعدها جزئیات بیشتری را می توانند به خاطر بیاورند.

همانطور که رمان نویس معروف "**سارا . اورن . جووت**" تاکید می کند: " درایت داشتن بیش از همه چیز به نوعی قدرت ذهن خوانی ارتباط دارد"

با این مهارتها زنان قدرت خواندن ذهن افراد را می توانند دارا باشند.

البته بسیاری از این توانایی های فردی وابسته به هورمون استروژن زنان است.

بنابراین نباید شگفت زده شویم که در حال حاضر ۹۰٪ از کارهای محیطی پر رونق جهان را زنان بر عهده گرفته اند و اداره می کنند.

"کارهای شبکه‌ای... همکاری... همدلی"

همزمان با قدرت پیشرفته زنان در مهارت‌های اجتماعی آنها قدرت و توانایی قابل توجهی در همکاری... همدلی و به شراکت گذاشتن قدرتهایشان با دیگران دارند.

مردان ترجیح می‌دهند در سلسله مراتب نقش قالب را داشته باشند و قدرت را بصورت رتبه بندی و یک موقعیت ببینند.

از سویی دیگر بعنوان یک دار و دسته (گروه) و در نظر گرفتن قدرت به عنوان اعتقاد به تساوی بین انسانها رفتار شبکه ای از روابط و اتصالات بین افراد حمایت می‌کند.

این نوع رفتاری نیز بطور دقیق به هورمونها وابسته است.

زمانی که به پرندگان و یا پستانداران هورمون مردانه (تستوسترون) مصنوعی تزریق کردند آنها شروع کردند به پرخاشگری به یکدیگر در حالی که تزریق استروژن در همین حیوانات رفتار همدلانه و دوستانه را پدید آورد.

این توانمندی زنانه برای کار کردن آنها در گروههای طرفدار تساوی انسانها در شبکه ها و گروههای حمایتی ویژگی قابل توجهی است.

این ویژگی برای زنان در نسل انسانهای اولیه بسیار حیاتی بود زیرا که نیاز داشتند همدیگر و فرزندانشان را حمایت کنند.

امروزه این توانمندی در محیط پیچیده تجارت امروزی بسیار مهم و حیاتی است.

"کار کردن در گروه‌های همکاری و همیاری"

تفکر به سبک رایانه ای ... انعطاف پذیری ذهنی توانایی مواجه شدن با ابهامات ... قوه شهود ... قدرت تصور قوی ... توانایی برنامه ریزی و ترتیب دادن نقشه های دراز مدت ... توانمندی کلامی ... مهارت‌های اجرایی اجتماعی ... توانایی همدلی و همیاری ... همگی اینها توانمندی هایی اساسی برای یک رهبر در محیط جهان فعلی می باشد.

بسیاری از مردان نیز این توانمندی ها را به میزان قابل توجهی در خود دارند .. هر چند که مردان توانمندی ها و مهارت‌های دیگری نیز دارند که به خودی خود به آنها قدرت رهبریت می دهد.

مردان درصد مهارت‌های تکنیکال و مهندسی بالاتری نسبت به همتهای مونث خود دارند. این هدیه ای است که هورمون تستسترون به آنها ارزانی داشته است.

با استفاده از این توانمندی ها مردان سازنده جامعه تکنیکال قوی دنیا هستند از طرفی بهبود وضعیت سلامتی و رفاهی جامعه جهانی را نیز بیشتر مدیون مردان هستیم.

بطور صحیح باید بگویم زنان و مردان همانند دو پا برای یک پیکر هستند برای حرکت و به مقصد رسیدن باید با هم و هماهنگ حرکت کنند.

جهان امروزی به این نتیجه رسیده که از مهارت‌های زنان نیز به خوبی مهارت‌های مردان می تواند استفاده کند.

امروزه گروه‌های تجاری ... سیستم های درمانی و بهداشتی ... سیستم های رایانه ای و مدیا ... سیستم قانون و قانون گذاری همگی هم از قدرت زنان و هم مردان بهره می برند .

همه می توانند استعداد های متعدد زنان را ببینند و از آنها بهره مند شوند . در واقع جهان تجارت کم کم دارد به اساس مهارت‌های رهبری زنان پی می برد.

اگر یک زن تحصیلکرده در یک شرکت نفوذ کند در هر نوعی که در اطراف جهان وجود دارد آنها توانمندی های خود را برای همکاری... انعطاف پذیری و سازماندهی گروههای انساندوستی بعنوان ایده های جدید گسترش خواهند داد.

در شبکه های تلویزیونی زنان بیشتر در صحبت‌هایشان به مسائل زنان حساسیت نشان می دهند .

توجه بیشتر آنها روی مسائل قومی و تنوع سنی... روی هنرهای تجسمی و کاربردی... برنامه ریزی های بیشتر برای اطفال تمرکز می یابد و در تمامی دیدگاهها برنامه های وسیع و گسترده تری را مطرح می کنند.

دانشکده های علوم زنان برای آموزش مهارت‌های زبانی بهتر به بانوان تلاش می کنند و به غنی سازی آنچه که ما در روزنامه ها... مجلات و کتابها می خوانیم می پردازند.

با "مهارت‌های فردی" آنها و تصوراتشان زنان شروع می کنند به انتخاب تمامی انواع گروههای تخصصی و خدماتی که بتوانند آرامش و اطمینان را در مدت زمان کمتری به کار ما بیاورند.

زنان شفقت... صبوری... توان کار گروهی و تصور گسترده تری برای زمینه های شفا و بهبودی در خود سراغ دارند.

آنها خلاقیت‌های خوبی در کلاسهای درس از خود نشان می دهند.

زنان چون دیدگاه متفاوت و حساس تری نسبت به موردهای کودک آزاری و نیز سو استفاده های جنسی و تجاوز به عنف دارند به طبع در قضاوت و پی گیری این مسائل بسیار دقیق تر و با وجدان تر خواهند بود و دیدگاههای وسیع تری را خواهند داشت..

زنان گاه نقش و نفوذی خیرخواهانه در ارگانها دارند و دیدگاهشان سوداگرانه نیست.

زنان می توانند در برنامه های بهبود رفاه برای زنان دیگر و کودکان سهم شونند. می توانند در بهبود وضعیت اقلیتها... افراد مسن و نیز معلولین و بهبود وضعیت محیط زیست به خوبی سهم باشند.

آنها حقیقتاً می توانند تغییرات مفیدی در دولت‌ها ایجاد کنند و با آرای خویش جایگاه برجسته ای در وضعیت آموزش و پرورش..سلامت...مراقبت کودکان....وضعیت محیط زیستروابط بین المللیو بهبود وضعیت فقر خواهند داشت

زنان همچنین می توانند شرایط زندگی خانوادگی خویش و دیگران را تغییر دهند.

ازدواج در واقع یک تحول است خانواده های مرد سالار در جامعه کنونی کم کم به سبک خانواده های امروزی تغییر حالت می دهند . آنچه مهم تر است اینست که بیشتر زوجین دارند در شرایطی قرار می گیرند که جامعه شناسان به آن می گویند

"زندگی و ازدواج آزاد" (توضیح مترجم:شاید بتوان آنرا زندگی ای تعبیر کرد که بر پایه تعهد و علاقه قلبی پایه ریزی شده باشد نه فقط یک برگه بعنوان سند ازدواج)

نوع دیگری ازدواج هم که مانند گذشته هنوز هم رایج است و آنرا "ازدواج همکاری" می شود اطلاق کرد. ازدواجی که در دو سطح اقتصادی و اجتماعی مساوی اتفاق می افتد. ازدواجهای همکاری پدیده ای تازه نیستند .

در زمانهای دور تاریخی زنان در باغهای میوه و مزارع سبزیجات کار می کردند و به تهیه کردن ۶۰ تا ۸۰٪ غذای روزانه کمک می کردند.

در این جامعه کشاورز/شکارچی نحوه ازدواجها حالتی از پیش نوشته شده داشت.

زنان و مردان در آن زمان از لحاظ اقتصادی و اجتماعی برابر بودند حتی در آن زمان از لحاظ جنسیتی نیز به آنها یکسان نگریسته می شد.

از زمانی که بحث مالکیت زمینهای زراعی پیش آمد زنان اکثر قدرت اقتصادی و اجتماعی خویش را از دست دادند.

قدرت آشکار نشده

اما امروزه ما باید به قدرت و شیوه زندگی پیشین خویش که شیوه نخستین و حقیقی زندگیمان بود بازگردیم. قرن بیست و یکم ممکن است اولین باری باشد که در سرزمینهای مدرن افراد از هر دو جنس مثل اجداد اولیه خود زندگی کنند یعنی در تساوی کامل.

ما داریم به سمت جامعه ای با همدلی فرهنگی جهانی پیش می رویم که زن و مرد در هنگام ازدواج از لحاظ درک و استعداد و باور ارزشها با هم مساوی باشند.

"آلبرت اینشتین" زمانی گفت:

"مشکلات بغرنجی که ما در جهان امروزی با آنها روبرو هستیم هرگز توسط همان سطح فکری که این مشکلات را بوجود آورده است قابل حل نمی باشد."

زنان روش های جدیدی برای تفکر می توانند بیآورند... روح همدلی... هدیه ای برای افراد اهل علم و مطالعه... توانایی کارهای گروهی... صبوری... یکدلی... پرورش کودکان توانمندتر... مهارت های مذاکره ای... قدرت تجارت محیطی و جهانی با توجه به آموزش و تجربه خوب... قدرت تصور قوی... قدرت تفکر برنده/برنده... انعطاف پذیری ذهنی... قدرت مواجهه با ایهام... جرات مواجه شدن با پیچیدگی های اجتماعی و محیطی و قدرت برنامه ریزی برای زمان طولانی مدت.

جامعه شناسان ترجیح می دهند که ذهن زنانه در جهان مدرن ما مورد توجه قرار بگیرد

حتی در جاهایی که هم اینک دستها بسته است

(به عبارت بهتر چنین امکانی برای زنان موجود نیست!)



"پایان"

دکتر بهاره دادرس

چهارشنبه ۴ بهمن ۱۳۹۱